الف) کلیت به‌معنای جمیع

«رقاب الصعاب» من إضافة الموصوف إلى الصفة أو رقاب الاشخاص الصعاب والصعب خلاف الذلول ، والتخوم جمع التخم بالفتح وهو منتهى كل قرية أو أرض «رواصن الاسباب» أي الحبال الثابتة ، قال الجوهري الرصين المحكم الثابت و السبب الحبل ، وقال شمر ارتفع ، والشاهق الجبل المرتفع «بكلية الاجناس» أي بجميعها فانها مشتركة في الامكان والحاجة إلى الصانع أو بكونها كلية فانه تستلزم التركيب المستلزم للامكان ، فدل على أنه ليس له سبحانه مهية كلية»

[1].

بعد از اینکه لغت‌های جمله‌ی قبلی که بحث کردیم را، توضیح می‌دهند، می‌فرمایند: «بکلیة الاجناس». این به چه معنا است؟ اوالً کلمه‌ی «الاجناس» به این نحو در روایات خیلی کم است. یعنی این روایت توحید صدوق، اگر در دعا نیامده بود، خودش نسبت به سایر روایات، تعبیری منحصر بود. «کلیة الاجناس»، آن هم «مستشهد بكلية الأجناس على ربوبيته». این استشهاد خودش خیلی بار علمی می‌برد. وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام استشهاد را می‌گویند، استشهادی متناسب با عقل امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ متناسب با عقل ولی خدا است. خُب، چطور می‌شود؟! ما باید از این بحث کنیم و آن را پیاده کنیم که حضرت علیه السلام به ما چه چیزی را می‌گویند؟ صاحبین عقول به آن فکر کنید. باید این استشهاد را باز کنیم.

در آن جلد که توضیح ندادند اما در اینجا توضیح می‌دهند. کلمه‌ی «الاجناس» خیلی در روایات نیست. قبالً گشته بودم، اما دیشب از ذهنم رفت تا جدیدا نگاه کنم و خدمت شما بگویم. شما با این نرم‌افزارها می‌توانید نگاه کنید که در روایات معارف مسأله‌ی اجناس، چقدر آمده است. به نظرم خیلی کم باشد. یعنی خیلی گسترده نیست. «کلیة»ش که جای خودش، «الاجناس» هم زیاد به کار نرفته است. حالا ببینیم مرحوم مجلسی چطور می‌فرمایند. با فرمایش ایشان انس بگیریم و جلو برویم.

««بكلية الاجناس» أي بجميعها»؛ کلمه‌ی «کل» چند جور کاربرد دارد. یکی «کل» به‌معنای کلی است؛ مفهوم کلی و کلیت. در حاشیه و منطق هم بود؛ می‌گفتیم سه جور کلی داریم: کلی طبیعی، کلی منطقی، کلی عقلی. خود کلیت، منطقی می‌شد. نفس الکلی می‌شد کلی طبیعی. الانسان الکلی، کلی عقلی می‌شد. یعنی انسان متصف به وصف کلیت. این جور می‌گفتند. همان جا هم خودش چه بحث‌های ظریفی داشت. انحصار بود یا نبود جای خودش.

شاگرد: در اینجا که هیچکدام از اینها نیست.

استاد: «جمیعها» هیچکدام از اینها نیست. چرا؟؛ چون «کلی» یعنی مفهوم. انسان کلی یعنی «المفهوم ان امتنع فرض صدقه على كثيرين فجزئي و الا فكلي»؛ یعنی «المفهوم الذي لايمتنع فرض صدقه على كثرين فكلي». این «کلیة الجناس» یعنی اجناس کلیه منطقی؟!؛ خیر. این معنای اولی است که ایشان می‌فرمایند. می‌فرمایند این کلی، یعنی جمیع. کلی یعنی چه؟؛ می‌گوییم «كل الانسان له قوة الضحك»، این «كل الانسان» یعنی جمیع انسان‌ها؛ همه‌ی انسان‌ها.

[1]. علامه‌ی مجلسی، بحار الأنوار (چاپ مؤسسة‌الوفاء)، ج ۹۰، ص ۲۲۷.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:31:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:35:53 توسط ... .